

گفت‌وگوی «شرق» با محمدمهدی عسگرپور رئیس هیئت‌مدیره خانه سینما

وظیفه ما پیگیری است

«ما در این شرایط باید به دنبال راه‌های جدیدی برای حل مشکلات سینما باشیم»

گفت‌وگو ما با محمدمهدی عسگرپور، رئیس هیئت‌مدیره خانه سینما و مدیرعامل خانه هنرمندان، بعد از انتشار علنی بیانیه معروف خانه سینما انجام شد. انتشار آن بیانیه در آن شرایط دشوار اجتماعی، هزینه‌زا بود؛ بااین حال، فرصتی فراهم آمد تا اهالی خانه بهتر بتوانند مسائل هنرمندان بازداشتی را ببگیرند. در این گفت‌وگو عسگرپور نگاه خانه و مسائل پشت پرده را حتی الامکان و تا جایی که انتشار آن دشوار است، با ما در میان گذاشت. این گفت‌وگو می‌توانست صریح‌تر باشد، اما شرایط امروز حرف‌های دیگر را به روزهای آتی موکول کرد.



فرزانگ آرتا

مشکلی پیش نیابود، با ما در میان گذاشت. این گفت‌وگو می‌توانست صریح‌تر باشد، اما شرایط امروز حرف‌های دیگر را به روزهای آتی موکول کرد.

◆ از اواخر شهریور سال جاری در سطح جامعه اتفاقاتی رخ داد که خواسته یا ناخواسته تبعاتش در عرصه هنر و سینما منعکس شد. به‌عنوان مدیری که سال‌ها بر مسند مناصب مهم فرهنگی و هنری تکیه زده، تحلیلتان از وقایع اخیر چیست؟

به دلیل ماجراهای اخیر، جلسات زیادی با برخی مقامات مسئول داشتیم و نکته‌ای که اغلب بر آن پافشاری می‌کردیم شاید به روحیات‌مان برمی‌گردد و ذهنی که در فیلم‌نامه‌نویسی بیشتر به کارمان می‌آید پیکاردکن روابط علت و معلولی بود؛ یعنی اصرارمان این بود که آقایان و مسئولان ذی‌ربط دست‌کم فکرکنند آنچه امروز با آن مواجه هستیم، حاصل چه چیزی است؟ آیا اتفاقی است که ظرف دو ماه بسته‌بندی شده؟ آیا از سوی کشورهای خارجی سفارش شده که یکدفعه با آن مواجه شدیم؟ یا اینکه حاصل چیزی است که برای خودش طول و عرضی دارد؟ به هر حال آنچه با آن مواجه شدیم، حاصل کاشت اعمال‌مان در دوره‌های گذشته است. اکوسیستمی شکل گرفته و امروزه با نتایجش مواجهیم. شاید لزوماً در حوزه‌های مختلف چندان متوجه تبعات تصمیماتی که مسئولان مربوطه اتخاذ می‌کردند، نبودند که تا کجا می‌رسود و چه نتایجی برای جامعه به بار می‌آورد. امثال ما فقط می‌توانیم رخداد‌های قبل از انقلاب را مطالعه کنیم؛ چون تجربه حضوری نداشتیم. به همین دلیل می‌گوییم بعد از انقلاب اساساً جریانی که مدیریت کشور را بر عهده گرفته، به بازتاب رفتارش در آینده فکر نکرده است. انگار همه چیز در لحظه اتفاق افتاده و کمتر درباره آن آینده‌نگری شده است. مثلاً وقتی تصمیم گرفته شد آموزش در کشور به دو بخش دولتی و غیردولتی (غیردولتی به مفهوم غیرانتفاعی و اقتصاد و پول) تقسیم شود، بدون توجه به نتایج آن این اتفاق افتاد. به این فکر نشد که آیا در کشور ما زیرساخت‌های آن وجود دارد یا ندارد.

◆ **یعنی با این نگاه خواه‌ناخواه نوعی شکاف طبقاتی به وجود آمد؟**

فقط شکاف طبقاتی نیست. این به اضافه یک جریان رانتی

ایجاد شد که به نظر مهم است؛ چون اساساً در جوامع مختلف اختلاف طبقاتی کم‌وبیش وجود دارد؛ حالا در یکی کمتر و در یکی بیشتر. با ماحعه بی طبقه یا طبقات نزدیک به هم که مواجه نیستیم. اما چیزی که برهم‌زننده ماجراها در کشور ماست، وجود جریانی است که حداقل از جهت روانی، برای رسیدن از نقطه «الف» به «ب»، باید به رانتی متصل شد! همین برهم‌زننده است و از دل آن بی‌عدالتی و ناعادلتی بیرون می‌آید.

به نظر همین موضوع باعث شد مسئولانی که لیاقت مسئولیت را ندارند و کاملاً اشتباه مسئول شده‌اند (اشتباه از دید عمومی وگرنه حتماً دلیلی برای مسئول‌شدن‌شان وجود داشته) از همین سیر استفاده کنند. آن پارادایمی که ممکن است از آن مدیریت بیرون بیاید و در کنارش علم اقتصاد، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و… کنار گذاشته می‌شود، به جریان کاملاً شعاری که هیچ تحلیلی نمی‌تواند بدهد، تبدیل می‌شود.

◆ **در واقع تحلیل‌ها در حد شعار است و ربطی به متن واقعات جامعه ندارد؟**

بله. مسئولی که می‌خواهد برای دیدار از شهر یا جایی برود، باتش هزینه زیادی می‌کند. آدم‌هایی را از جاهای مختلف جمع می‌کنند تا او را ببینند. او هم دچار توهم می‌شود. توهم فقط در فضای مجازی که نیست. آن‌هم مثل کامنت عمل می‌کند. احساس می‌کند بین مردم خیلی محبوب است. در نهایت تک‌مک احساس می‌کند هاله‌ای را بر می‌بیند؛ یا این توهم احساس می‌کند از جایی نمایندگی دارد و اطرافیانش هم آن‌قدر در این ماجرا می‌دمند که خودش را در حریم خاصی تعریف می‌کند و اگر کسی به این حریم متعرض شود، قطعاً به او برمی‌خورد؛ چون احساس می‌کند اینها متوجه نیستند. بنابراین آقایانی که به هنرمندان و جامعه فرهنگ و هنر ایراد می‌گیرند که شما تحت تأثیر کامنت‌های فضای مجازی هستید، به نظر پاسخ مشخص به آنها این است که شما هم تحت تأثیر فضای هستید که خودتان ایجاد می‌کنید و اطرافیان‌تان اتفاقاً بلد هستند مدیریت کنند و شاید خودتان هم ندانید. تحت تأثیر آنها قرار گرفته‌اید.

◆ **در سال‌های اخیر با توجه به بزنگاه‌های مختلف مثل انتخابات ریاست‌جمهوری، برخورد دوگانه‌ای با سلب‌برینی‌ها صورت گرفته است. اگر مثلاً چهار دوره ریاست‌جمهوری اخیر را با دقت بررسی کنیم، در دو دوره تبلیغات شد که هنرمندان دوست دارند در کنار مردم باشند و حتی برخی نامزدها به برخی از بازیگران معروف پول‌های کلان دادند که در مراسم سخنرانی یا فیلم‌های تبلیغاتی‌شان شرکت کنند. اما در دوره‌ای دیگر به این نتیجه رسیدند که نتیجه انتخابات آن چیزی نیست که مدنظر ماست؛ بنابراین نگاه به بازیگران و کلا سلب‌برینی‌ها عوض**

شده؛ یعنی کلاً از پروژه «سلب‌برینی‌زایی» به «سلب‌برینی‌زدایی» رسیدند و در نهایت هم در اتفاقات اخیر برخورد‌های قضائی با آنها صورت گرفت. البته این تحلیل‌ وری مثبت یا منفی ارزیابی‌کردن عملکرد این افراد است. یا آن‌قدر پول‌های بی‌حساب‌و‌کتاب وارد سینما کرده‌اند که دستمزد برخی از بازیگران نجومی بالا رفت. آن وقت به نهادهی که می‌توانست سلب‌برینی را مجبور به پاسخ‌گویی کند، یعنی خبرنگاری و روزنامه‌نگاری، آن قدر بی‌مغلی کردند که توانی برای این قشر باقی نماند. شما دستمزد خبرنگاران را با بازیگران مقایسه کنید! نتایج آن را بهتر می‌بینید. به هر شکل فضای مصنوعی در سینما ایجاد کردند که نتیجه این شد که الان بیشتر افراد رضایت ندارند؛ حتی بازیگران میلباردی! تحلیل شما از این وضعیت چیست؟

جریان قدرت در کشور ما (منظورم از قدرت در همین سطوحی است که بر اثر انتخابات، انتصابات شکل می‌گیرد) چندان برگرفته از جریان‌های معروف در کشورهایی که بحث دموکراسی در آنها جدی است، نیست. خب چنین نگاهی که شما به آن اشاره کردید، وجود دارد؛ چون از تجربه دوره قبل استفاده شد و چون در پایان هر دولتی، دولت ضعیف‌تر از زمانی است که کارش را شروع کرده و دولت جدید از این ضعف استفاده می‌کند و می‌گوید می‌دانید چرا این دولت موفق بود که رای آورد، چون هنرمندان پشتش بودند. ولی ببینید متوجه ناموفق بوده. شما برای اینکه موفق شوید هنرمندان را کلاً کنار بگذارید و دقیقاً برعکس عمل کنید. در دو دوره هم این اتفاق افتاد و چون آن دولت موفق نبود، دوباره این نظریه مطرح شد؛ چون از هنرمندان استفاده نکردند و ما استفاده خواهیم کرد. ممکن است دائماً از این رفت و برگشت در ساختار قدرت استفاده شود. همکاران ما هم بعضی وقت‌ها بنا بر دلایلی، اگر از خودشان پیرسید می‌گویند بیخشد بین مجبور به انتخاب بین بد و بدتر هستیم و به شوخی می‌گفتند بین گزینه‌ها «نلسون مناندا» و «ماهاتیر محمد» که نیستند، سه نفر هستند که باید یکی را انتخاب کنیم و فریق‌شان هم ممکن است مثلاً به اضافه منفی ۵۰ گرم شود و تغییر شکرگی که نیست! پس مجبور هستیم بین این کاندیداهای موجود یکی را انتخاب کنیم؛ خب این مسائل بلاطلم خودش را دارد. برخی ممکن است این‌طور فکر کنند. برخی هم ممکن است هیچان بیشتری داشته باشند، ولی در نهایت نباید مورد سوءاستفاده قرار بگیرند.

◆ **یعنی کارگردها در هر صورت محدود است؟**

بله. به هر حال برخی از این نکات را نمی‌توانیم نادیده بگیریم. قدرتی که امروز به‌عنوان دولت روی کار است، اگر پشتوانه هنرمندان را داشت شاید نوع ادعایش طور دیگری می‌شد. بیشتر حضور آدم‌ها بستگی به این دارد و خیلی هم رودکندر است و ممکن است سه، چهار سال بعد با میزانشن دیگری مواجه شویم که دیگر این موضوعات، موضوع اصلی ما نباشند.

◆ **اتفاقی که در دوره آقای احدی‌نژاد رخ داد، این بود که می‌خواستند خانه سینما تعطیل شود که شما و همکاران‌تان خیلی مقاومت به خرج دادید. الان هم مسئولیت شما در خانه سینما خطیر است. اولین بیانیه‌ای که در خانه سینما منتشر شد و بحث تجمع را مطرح کردید، بیانیه‌ای جسارت‌آمیز بود. تحت چه شرایطی به این نتیجه رسیدید که چنین بیانیه جسورانه‌ای در آن مقطع تاریخی منتشر کنید؟**

این ماجراها در هر دوره‌ای فرق می‌کند. در سال ۸۸ موضوع تعطیلی را طور دیگری در خانه سینما تجربه کردیم که البته خوشبختانه موضوع با همدلی پایان یافت. امروز هم خوشبختانه این هیئت‌مدیره دچار تب‌ورلز نشد و هماهنگ عمل کرد. به نظر ما حالا این هیئت‌مدیره یکی از بهترین‌ها بود که من تجربه کردم.
◆ **دقیق‌تر بپرسم، بعد از اینکه خانه سینما مجدداً کارش را شروع کرد و از تعطیلی موقت خارج شد، در دوره‌های مختلف هیئت‌مدیره خیلی دچار ضعف بود. حتی یادم است که در دوره‌ای مطلبی نوشته بودم که هنوز مشکلات خانه سینما مثل شخصیت حقیقی آن حل نشده! هنوز چکی که به اسمش صادر می‌شود، در وجه حقیقی صادر می‌شود؛ یعنی همچنان مسائل صنفی‌اش حل نشده! یا خیلی جاها با نظرات آحاد سینما فاصله گرفته بودند. از طرفی هم در فضای مجازی اغلب شنیده می‌شود که سینماگران کلاً همه چیز را رها کرده و تشویق به تحریم می‌کنند. این در حالی است که صادرکنندگان چنین تصمیماتی از وضعیت معیشتی، روحی و جسمی سینماگران هیچ اطلاع درستی ندارند. حال در این‌میان نگاه شما چیست؟**

هنرمندان به‌عنوان بخشی از جامعه ممکن است در این

تلاطم قرار بگیرند؛ بنابراین درمورد پدیده‌های مختلف سریع

تصمیم نمی‌گیریم که در کدام قطب یا جریان قرار گرفته که

تحریم کنیم یا نه. وظیفه ما پیگیری است. چندی پیش خانه

سینما به وزیر فرهنگ و ارشاد درباره شورای پروانه ساخت و پروانه نمایش نامه‌ای ارسال کرد. یکی، دو نفر به من گفتند درست در زمانی که همکاران شما را بازداشت می‌کنند، ارسال چنین نامه‌ای چه موضوعیتی دارد! پاسخ دادم اساساً این وظیفه صنفی ماست. اگر الان این وظیفه را انجام ندهم چون مطلع شده بودیم چیزی در حال تصویب‌شدن است – باید پنج سال برای ابطال آن بدهیم!

◆ **یعنی رسیدگی به مشکلات وارده، خانه را از وظایف صنفی خود دور کرده؟**

دقیقاً. به‌همین دلیل می‌گویم همین نوع پیگیری‌های صنفی در فرهنگ فعلی کشور ما این‌گونه ترجمه می‌شود که در فضای قطبی‌سازی قرار گرفته‌ایم!

◆ **دلایل‌تان برای نوشتن نامه به شورای انقلاب فرهنگی چه بود؟**

چند وقت پیش با متنی مواجه شدم که در شورای‌عالی انقلاب فرهنگی این متن از سوی دولت پیشنهاد شده و قرار است جایگزین آیین‌نامه‌های فعلی حوزه پروانه ساخت و پروانه نمایش شود. این متن، ظاهری داشت که مثل خیلی از متن‌های دیگر است. می‌گفتند اینکه چیزی نیست. در این متن گفته شده شورا باید بررسی کند و به صلاحدید می‌تواند این‌طور باشد؛ ولی کسانی که کار صنفی زیاد کرده و حرفه‌ای درگیر این موضوعات بوده‌اند، از تک‌تک این کلمات می‌توانند متوجه شوند قرار است آینده پروانه ساخت و پروانه نمایش چگونه شود. من به‌شخصه و همین‌طور بقیه دوستان احساس‌مان این بود که با تصویب این متن در واقع با وضعیتی مواجه می‌شویم که می‌توانیم بگوییم سینما کارایی خود را به میزان بسیار زیادی حتی در مقایسه با الان از دست خواهد داد؛ یعنی بعد از این شاید دیگر نمی‌توان فیلم غیررگانی ساخت!

◆ **یعنی سینمای مستقل نابود می‌شود؟**

کاملاً. ممکن است به آقایانی که پیگیر این طرح از طرف دولت هستند، بگویید بگویند کجای این متن این‌طور می‌گوید و ما باید این را توضیح دهیم. این متن البته یک سابقه دارد. اساساً مربوط به آقایان دولت دهم است و آن زمان نوشته بودند و می‌خواستند پیگیری کنند که به سرانجام نرسید. خوش‌بینانه می‌گویم دولت فعلی فکر کرده این هم یک متن است. پس بهتر است که جایگزین متن قبلی شود. در شکل بدبینانه هم باید بگویم خیلی دوست ندارند سینما رشد کند. اطلاعی که من داشتم، ظاهراً قرار بود در شورای هنر تصویب شود. شورای هنر یکی از شاخه‌های شورای‌عالی انقلاب فرهنگی است که رئیسش وزیر ارشاد است و بعد هم برود در صحن شورای‌عالی انقلاب فرهنگی که آنجا در صحن وقتی قرار بگیرد، انگار کار تخصصی در شورای هنر صورت گرفته و سریع‌تر تصویب می‌شود و ما هم با آن به‌عنوان قانون مواجه می‌شویم؛ چون مصوبه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی است. همه باید با هم جمع شویم و ببینیم چطور باید حل کنیم و بعد هم دولت بگوید که ببخشید من با یک مصوبه مواجه هستم و چون قانون است، دیگر نمی‌توانم کاری بکنم.

◆ **یعنی آقای خزایی به‌عنوان رئیس سازمان سینمایی متوجه این موضوع نشد؟**

برای ایشان قبل‌تر گفته و مکتوب فرستاده بودم. توجه‌کردن یا نکردنش را خودشان باید توضیح دهند؛ اما این واقعا مورد عجیبی است که این اتفاق در کشوری که مقاد که بضاعت سینمایی کمی ندارد. امروزمان را ببینید که با ما این‌طور رفتار می‌کنند! این سینما در طول این سال‌ها موجبات افتخار این کشور را در بسیاری از جشنواره‌های جهانی فراهم کرده. این سرمایه‌ها و فیلم‌سازان بزرگی که داریم ممکن است بین‌شان پزشک، مهندس و جراح باشد. در اعضای خانه سینما تقریباً از همه ترکیبات وجود دارد. اینکه شما چنین جامعه‌ای را نادیده بگیرید، برای اینکه یک متن مهمی را می‌خواهید آماده کرده و به قانون تبدیل کنید و از این افراد نظر خواهی نکنید یا نظرخواهی‌گرزنشی کنید، اصلاً قابل قبول نیست. در همین پیکره کسانی هستند که همان زمانی که خانه سینما را در دولت دهم تعطیل کردند، تعدادی از همکاران ما با همان دولت همکاری و اتفاقاً کمک کردند تا به در قفل بیندازند، پلمب کنند و درنهایت به همه ما لجنخ‌د بزنند. ممکن است برخی از دوستان الان هم بخوانند در تصویب این متن به دولت کمک کنند و دولت بگوید ما از همکاران شما اظهارنظر خواسته‌ایم؛ اما از چه کسانی کمک خواسته‌اند؟ ممکن است چند نفر از همکاران این مدلی را پیدا کنند و نظر هم بدهند؛ ولی آیا واقعا این حرکت متمدانه است که متنی را که با هست و نیست سینما سروکار دارد، از کارشناسان و فعالان این حوزه نظرخواهی نکنید و بعد بگویید ما می‌خواهیم تعامل زیادی با بخش خصوصی صنف داشته باشیم؟! تعامل این‌گونه شدنی است؟

تعامل از اینجا شروع می‌شود که با اهل فن گفت‌وگو کنید و نظر بخواهید. نه اینکه شما متنی را بدون اطلاع اهل فن تصویب کنید، بعد در جشنی که می‌خواهید برگزار کنید، همه را دعوت کنید!

◆ **آیا سازمان سینمایی و شخص آقای خزایی با شما همراه است؟ نحوه تعامل خانه سینما و سازمان سینمایی مخصوصاً درمورد بازداشتی‌هایی که صورت گرفته، چطور بود؟**

تفاوت‌های سازمان سینمایی فعلی با سال ۸۸ زیاد است. منظورم وزارت ارشاد نیست؛ چون وزیر ارشادی که آن زمان سال ۸۸ بود (آقای حسینی) مرد شریفی بود؛ اما به نظرم تسلطش می‌شویم انگار با یک فکر واحد مواجه نیستیم. یک گروه می‌گویند چرا جعفر پناهی در زندان است؟ گروه دیگری می‌گویند باید در زندان باشد و شما متوجه نمی‌شوید قدرت دست کدام‌شان است. مثلاً برای داشتن یک دفتر انتشاراتی پنج، شش مدل استفاده می‌شود که مشخص شود شما صلاحیت این مجوز را دارید. بعد رئیس بانک ملی با کدام مجوز شد آقای خاوری و اخلاص کرد و از فلان خانه فاسد هستند. آنجا چرا خط‌کش‌تان کار نمی‌کند؟ آیا اینجا قوه قضائیه می‌تواند خط‌کش بگذارد و بگوید فلان هنرمند با فلان کلمه یا جمله که ابراز کرده، تخلف کرده؛ چون با حق‌وقتی دارم. بعد می‌گویم فلان آدم می‌گوید بخش اعظم سینماگران همه‌شان فاسد هستند. بعد ما می‌گوییم با کدام ادله و چگونه این اتهام ثابت‌شدنی است؟ وقتی می‌گویند بخش اعظم اعضای فلان خانه سینما نیستند، آنجا چرا خط‌کش‌تان کار نمی‌کند؟

اصلاً مترتان عوض شده؟ این باعث می‌شود که فاصله هنرمند با این پیکره روزه‌روز بیشتر شود؛ چون فکر می‌کنند اعمال و رفتار یا خط‌کش و معیار واحدی سنجیده نمی‌شوند.

◆ **بالاخره تعداد بازداشتی‌ها مشخص شد؟**

این فهرست خیلی متغیر است. در تمام این حوزه‌ها حدود ۲۰۰ نفر از همکاران دچار مسائلی شده بودند که متغیر بود. مثلاً پنج تا کم می‌شد دو تا اضافه می‌شد. آنچه الان فکر می‌کنم وجود دارد این است که تعداد همکاران ما در سینما که الان در بازداشت هستند به صفر خیلی نزدیک شده. برخی‌ها می‌گویند اصلاً نداریم و برخی می‌گویند همه همکاران ما هستند. به این دلیل حقوقی اختلاف نظر وجود دارد. مثلاً ما می‌گوییم فلانی در بازداشت است، قوه قضائیه می‌گوید چون حکم صادر شده، دیگر بازداشتی حساب نمی‌شود و می‌توانند زندانی تلقی شوند. همکاران ما در کمیته پیگیری تا جایی که ممکن است و امکان حقوقی و قضائی باشد پیگیری می‌کنند. یکی، دو مورد از دادگاه‌های همکاران را شرکت کردم و چون اعلام نکرده بودند غیرعلنی گفتیم لابد علنی است. اما اینکه گفته شده بود نماینده خانه سینما نبوده به هر حال خانه سینما نیستند، آنجا یک میز داشته باشد و حضور پیدا کند یا نماینده خانه سینما بخواهد در شعبه شرکت کند. شاید ممنوعیت ورود داشته باشد. وقتی ابلاغ می‌کنند متهم با وکیلش می‌تواند حضور داشته باشد. نفر بعدی را باید مشخص کنند که چه کسی است و اجازه رئیس دادگاه باشد. اینها مشکلات ماست و از قوه قضائیه درخواست کرده‌ایم در همه دادگاه‌هایی که مربوط به همکاران ماست نماینده خانه سینما حضور داشته باشد که تا این لحظه موافقت نکرده‌اند.

◆ **به نظر‌تان آینده سینما چطور خواهد شد؟**

به نظرم باید به آینده مسائل دیگر هم فکر کرد. چون سینما در زنجیره‌ای معنا پیدا می‌کند. سینما به دلایل دیگری دچار مسائلی شده بود که ربطی به ماجراهای سیاسی اخیر ندارد و برمی‌گردد به وضعیت سینما با پلفرم‌ها که سابقه ۱۰ساله دارد. در دنیا هم این اتفاق افتاده و بحث کشور ما نیست. با کرونا مشکلات بیشتر شد و بعد هم این اتفاقات افتاد. بنابراین بخشی از پارامترا جهانی است که وضعیت سینما را روز به روز سخت‌تر می‌کند و بخشی هم مربوط به کشورمان است که الحاق شده. مجموعاً نسبت به آینده حس مثبت دارم و فکر می‌کنم نسلی در کشورمان شکل گرفته که دهه هفتادها می‌آمیده می‌شوند، واقعا هم فرق دارند در دهه هفتادی‌ها، نسلی آمده‌اند که باید به آنها احترام گذاشت. چون ویژگی‌های خاص خودشان را دارند و شبیه دهه شصتی‌ها هم نیستند. ولی آن نسل هم وارد سینما شده و هم نهاد صنفی‌مان وارد شده و وقتی با آنها مواجه می‌شویم، می‌بینیم متفاوت هستند که بخشی به خاطر وضعیت جهانی است. به نظرم پارامترهای برهم‌زننده اتفاقاً همین نسل می‌تواند باشد و حتی وضعیت بهتری را رقم بزند.



عکس: امیر جدیدی

◆ **وقتی خانه هنرمندان را تحویل گرفتید، وضعیت مالی خوبی نداشت. الان با مشکل بی‌پولی چه می‌کنید؟**

الان هم وضعیت اصلاً خوب نیست.

◆ **آقای زاکانی با شما همکاری می‌کند؟**

جنس مشکلات خانه سینما، خانه تئاتر و خانه موسیقی با خانه هنرمندان فرق می‌کند. علتش هم این است که آنها به نوعی طی تقاهمی از وزارت ارشاد پولی می‌گیرند در حدی که بتوانند امورات عادی‌شان را می‌گذرانند. اما خانه هنرمندان با شهرداری سروکار دارد. خانه هنرمندان که محل اجتماع صنف هنری است، ۱۲ تشکیل هنری دارد به نظرم از قبل‌تر هم اجازه ندادند خودش تبدیل شود به موضوعی که هر روز مجبور نشود مسئله امروزش را حل کند. متأسفانه به این نتیجه رسیدم که خیلی مایل نیستند این‌خانه‌ها استقراار داشته باشند و این را شما در روابط اساسنامه‌ای و حقوقی‌شان می‌توانید ببینید. سؤال این است که خانه‌ها کجا باید ثبت شوند. ارشاد این می‌گوید باید در قالب مؤسسه فرهنگی نزد من ثبت شوید. یعنی صنف هم نیستید. خیلی‌ها در وزارت کار ثبت شده‌اند. آیا وزارت کار برای ثبت نهاد‌های صنفی در حوزه فرهنگ و هنر مناسب است؟ کجا باید ثبت شوند؟ آیا این‌قدر برای حاکمیت سخت است که جای اینها را پیدا کند؟ فلان نهاد‌های ثبتی باید این‌طور ثبت شوند، اگر قرار نیست از بودجه عمومی استفاده کنند و حق عضویت گرفته شود. به اینجا که می‌رسیم یا ما شبیه آمریکایی‌ها حرف می‌زنند. می‌گویند در آمریکا حق عضویت‌هاست. من می‌گویم دمت گرم خیلی حرف خوبی می‌زنی. پروانه ساخت را هم بردار چون در آمریکا وجود ندارد. شما گزینش می‌کنید. من می‌گویم نهادی مثل خانه هنرمندان و خانه سینما چطور باید اداره شود که کاسه گدایی‌ی جلوی دولت نگیرد که بگوید تو را به خدا به من کمک کنید. آنها هم بگویند ما کمک می‌کنیم شما هم بفرمایید چه کار می‌توانید بکنید. از اینجا شروع می‌شود. با حق عضویت. حرف متمدانه‌ای می‌زنند. بعد شما روال تولید اثر و انتشارش را که می‌خوانید، می‌بینید شبیه جهان چهارم. یعنی خیلی عقب‌افتاده است. حق عضویت متمدانه باید داده شود اما روال تولید باید کاملاً شبیه کشورهای عقب‌افتاده باشد. این‌طور نمی‌شود. اگر مثالش را از یک جای دنیا می‌آورید، لطفاً همه‌اش را بیاورید. نمی‌توانید بگویید می‌توانید بنزین در کشور ما چند دلار است؟ بعد می‌گویم چقدر به ما حقوق می‌دهید؟ آن را هم با دلار حساب کنید. آیا این زمینده کشور است؟ آیا قرار است همین‌طور ادامه داشته باشد؟ اینجاست که وقتی به دوقطبی می‌رسند و می‌خواهند انتخاب کنند یک قطب دیگر را انتخاب می‌کنند. و آن وقت نباید به آقایان بربخورد چون این‌طور رفتار کرده‌اند. نمی‌توانند سر بزنگاه بگویند به فلان بازیگر میلیارد میلیارد دادیم چرا رفت، و این‌طور حرف می‌زنند. من در جواب می‌گویم شما و نهادهای دیگر به این بازیگر میلیارد‌ها پول دادید. اما شما به نهاد‌های صنفی بی‌توجهی کردید. نه اجازه دادید اینها بدون حرف و حدیث در جایی ثبت شوند، نه بودجه‌ای می‌نشان داشته باشند طبیعتاً باید عکس‌العمل نشان دهند. چرا نشان ندهند وقتی این‌طور رفتار می‌شود؟ برای هر سال برای بیمه تکمیلی و بیمه، یک بار به من بگویند روالی وجود داشته که سال بعد تکرار شده بدون اینکه ما دنبال چیزی باشیم. مگر می‌شود شما هر سال باید چرخ را از ابتدا اختراع کنند؟ دوباره سیستمی از نو بنا شود، دوباره همه فرم پر کنند، گزینش شود و بگویند شما هنرمند هستید برای گرفتن بیمه تکمیلی باید آثارتان را آپلود کنید که من متوجه شوم شما هنرمند است. اصلاً چه کسی قرار است تشخیص دهد. زمانی هم که به مشکل برمی‌خوریم می‌گویند نهاد صنفی کجاست. مگر شما به نهاد‌های صنفی توجه کرده‌اید؟

◆ **چرا تا به حال مدیرعامل خانه سینما انتخاب نشده؟**

زمانی که هیئت مدیره جدید مستقر شد، قبل از ماجرای فوت مرحوم مهسا امینی بود. آن زمان در مورد اینکه مدیرعامل باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد، بحث شد. به این ماجرا که برخوردیم پارامترها عوض شد و مدیرعاملی که ما فکر می‌کردیم شاید مناسب برای موقعیت جدید نبود. موقعیت جدید هم شرایط خاصی است. با چند نفر مذاکره کردم که مدیریت خانه سینما را قبول کنند. به من گفتند اگر شرایط به عقب برگردد و این موقعیت باشد به خودت بگویند یا مدیر شو. قبول می‌کنی؟ الان معادلات ما مثل چهار ماه قبل نیست. به طور کل با چیز دیگری در همه حوزه‌ها مواجه هستیم. بنابراین من حق می‌دهم، به کسانی که پیشنهاد می‌دهم و آنها می‌گویند الان دوره پیچیده و سختی است که همین نکته که مدیرعامل در بزنگاه باید تصمیم بگیرد، کدام طرف بایستد و چه حرفی بزند، سخت است. از طرف دیگر فشارهای بیرونی به شکل جدی وجود دارد. پیچیدگی‌های چند ماه اخیر باعث شده پارامترها هم‌ایمان فرق کند.